

## بررسی حکایات مخزن الاسرار نظامی گنجوی با رویکرد نقد ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن

فاطمه حاجتی بردمیلی\*<sup>۱</sup> و زیبا اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

لوسین گلدمن هر اثر ادبی را به عنوان یک ساختار معنادار معرفی می‌کند که تحت تأثیر مسائل اقتصادی-اجتماعی زمان خود خلق می‌شود. خالق راستین اثر نه یک فرد، بلکه نماینده طبقه‌ای اجتماعی است که فرد آفریننده جزء خلاق آن طبقه است. مخزن الاسرار نظامی دارای سه بخش مجزا است که هر کدام دارای ساختاری معنادار است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی موضع‌گیری نظامی در مورد مسائل جاری عصرش را بررسی می‌کند، برای این منظور ابتدا مفاهیم بنیادی نقد تکوینی لوسین گلدمن شرح داده می‌شود؛ سپس حکایاتی که قابلیت بررسی از نگاه این نوع نقد را دارند انتخاب و در فرآیندی دو مرحله‌ای، دریافت و تشریح می‌شوند؛ یعنی پس از فهم ساختار درونی هر حکایت، کلیت اثر با بسترهای فراگیر اجتماعی زمان نگارش اثر پیوند می‌یابد و با استناد به منابع تاریخی توجیه جامعه‌شناسانه می‌شوند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بینش عرفانی-اعتراضی طبقه اجتماعی نظامی، از ساختارهای بنیادین واقعیت اجتماعی عصرش منبعث گشته و آشفتگی‌های حاصل از حکومت ملوک الطوایفی ایران در زمان سلجوقیان (بی‌عدالتی، ظلم و ستم، قتل و غارت و جهت دادن سیاسی به دین و...) چون هاله‌ای روح حکایات مخزن الاسرار را در برگرفته است.

**کلید واژه‌ها:** نقد ساختگرایی تکوینی، لوسین گلدمن، حکایات مخزن الاسرار، نظامی گنجوی.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
fajati72@gmail.com  
<sup>۲</sup> - استادبار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. esmaeili.ziba@sru.ac.ir

## مقدمه

در اوایل قرن بیستم نقد جامعه‌شناسی ادبی، توسط جرج لوکاچ (Gorge lukacch) بنیان نهاده شد. «لوکاچ با تأکید بر ادبیات رئالیستی که نشانی از واقعیت‌های اجتماعی است، ساختارهای ذهنی یا همان ساختارهای ادبی را به ساختارهای اجتماعی پیوند می‌دهد.» (رضی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳۶) لوسین گلدمن (Leucin Goldman) نیز در امتداد اندیشه‌های مارکسیستی استادش لوکاچ، مسئله هم‌ارزی شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه با آثار ادبی را مطرح نمود و روش ابداعی خود را با نام «ساختگرایی تکوینی» پایه‌گذاری کرد. در این رویکرد فرض بر این است «که هر رفتار انسانی کوششی است برای دادن پاسخی با معنا به وضعیتی معین و از همین رهگذر، ایجاد تعادلی میان فاعل عمل و موضوعی که عمل بر آن واقع شده است.» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۵۶) از دیدگاه ساختگرایی تکوینی هر اثر ادبی مستقل از آفریننده آن و وابسته به یک گروه است؛ «این گروه خودش جزئی است از ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی دوره‌ای معین» (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۱) پس هر اثر بزرگ ادبی در بردارنده جهان‌بینی گروه است و همین گروه یا طبقه که اثر در آن شکل گرفته به عنوان صاحب راستین اثر در نظر گرفته می‌شود.

گلدمن بیان می‌دارد که بر اساس نقد ساختگرایی تکوینی می‌بایست آثار ادبی برجسته را طی دو مرحله بررسی کرد: ۱- در مرحله دریافت، باید با تحلیل شخصیت‌های داستان و پی بردن به آگاهی‌های فردی و اجتماعی آفریننده آن، ساختار درونی اثر را درک کرد، زیرا «اگرچه تعامل بین شخصیت‌ها و جهان آنها خیالی است، اما این رابطه مانند زندگی اجتماعی، واقعیتی از جامعه است.» (رضی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳۹) همچنین کلیت اثر، متأثر از جهان‌بینی آفریننده و نتیجه آگاهی جمعی طبقه اجتماعی اوست که خارج از آگاهی فردی‌اش قرار ندارد. این جهان‌بینی از طریق روابط دیالکتیک شخصیت‌ها قابل دسترسی است چراکه این شخصیت‌ها هستند که روابط متقابل بین ساختار ادبی با ساختار اجتماعی را به منصه ظهور در می‌آورند. ۲- در مرحله تشریح، کلیت اثر با بسترهای فراگیر اجتماعی زمان نگارش اثر، تبیین می‌شود. «بین کلیت اثر و کلیت اوضاع اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن تکوین یافته است هم‌ارزی کامل وجود دارد. وظیفه اصلی منتقد ساختگرا، یافتن و تحلیل این هم‌ارزی برای روشن ساختن و دلالت‌های اثر است.» (گلدمن،

در نظر گلدمن نقش تعیین کننده اقتصاد در کردار اجتماعی افراد نمود بارز شی‌وارگی است و اصولاً در جامعه‌ای که در آن کمیّت‌ها بر کیفیت‌ها برتری می‌جوید و ارزش‌های انسانی رو به زوال می‌رود، قابل مشاهده است. بنابراین «ساختگرایی تکوینی به طور فشرده، بررسی منش تاریخی- اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است.» (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۱) به طور کلی با استفاده از این نوع نقد می‌توان به نظرات طبقه‌ای از اجتماع نسبت به مسائل جامعه‌اش در تاریخی معین، دست یافت.

#### ۱- مفاهیم بنیادی روش لوسین گلدمن:

روش گلدمن ترکیبی از روش فرمالیست‌ها و محتواگرایان است. به عقیده او محتوای اثر روی سبک آن تأثیر می‌گذارد و آن را تشکیل می‌دهد و به این صورت هر اثر ادبی دارای یک نظام یا ساختاری معنادار است که می‌توان از شمایل اثر به درون آن پی برد. بررسی ساختار هر اثر، دارای فرآیندی دریافتی- تشریحی است و لازمه پیشبرد صحیح این مسیر، آشنایی دقیق با مفاهیم اساسی آن است:

#### الف- ساختار معنادار:

در این دیدگاه هر اثر ادبی به عنوان یک کل مطرح می‌شود که بدون در نظر گرفتن اجزاء، معنا نمی‌دهد. «مفهوم ساختار معنادار که لوسین گلدمن آن را ابداع کرده است، نه تنها مستلزم وحدت اجزاء در یک کلیت و وجود رابطه متقابل میان این اجزاء است، بلکه در عین حال گذار از نگرشی ایستا به نگرشی پویا و اتحاد میان تکوین و کارکرد را نیز ایجاب می‌کند.» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۵۹) ساختار معنادار، همان جهان اثر ادبی است که باید با واکاوی سبک اثر به صورت مفهومی، به آن دست یافت.

#### ب- جهان‌نگری:

جهان‌نگری مجموعه‌ای از احساسات و اندیشه‌هاست که اکثر افراد یک طبقه را به هم می‌پیوندد و آنان را در مقابل طبقه‌ای دیگر قرار می‌دهد. پدیده‌ای اجتماعی که دیدگاهی درهم تنیده و یکپارچه از مجموعه واقعیت را به دست می‌دهد «این دیدگاه منسجم با نظرگاه همیشه تغییرپذیر

فرد تفاوت دارد و دستگاه فکری گروهی از انسان‌هاست که در اوضاع اقتصادی اجتماعی واحدی به سر می‌برند.» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

### ج- فاعل فرافردی:

خالق حقیقی اثر ادبی یک نفر نیست بلکه گروه‌هایی است که آفریننده اثر جزو آن‌هاست. «اگر پدیده‌های اجتماعی را به فاعل جمعی پیوند دهیم، فرآیند دگرگونی واقعیت بیرونی به صورت عنصری سازنده در فرآیند و دگرگونی فاعل ادغام می‌شود و عکس این رابطه نیز صادق است.» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۴۱)

### د- طبقه اجتماعی:

هنرمند جزئی از چند گروه اجتماعی است و تحت نفوذ جریان‌های فکری متأثر از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بستر زیستش قرار دارد؛ جهان اثر نیز موازی با این افکار و احساسات شکل می‌گیرد. گلدمن طبقات اجتماعی را زیرساخت جهان‌بینی‌ها می‌داند و به این صورت تعریف می‌کند: «گروه‌هایی که هدف عمل و آگاهی آنان، ساخت‌آفرینی کل جامعه و در نتیجه ساخت‌آفرینی مجموعه روابط میان انسان‌ها و روابط انسان‌ها با طبیعت است. این گروه همان طبقات اجتماعی هستند.» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۸۶)

### ه- دیالکتیک:

بر اساس دیالکتیک است که می‌گوییم اثر تنها مختص خود نویسنده نیست و به یک طبقه اجتماعی تعلق دارد. به عقیده گلدمن «آدمی موجودی است زنده و آگاه و در جهانی آکنده از واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روشنفکرانه و مذهبی قرار دارد. تأثیر کلی این جهان را می‌پذیرد و خود نیز بر آن اثر می‌گذارد. ما این تأثیر و تأثر را رابطه دیالکتیک می‌نامیم.» (گلدمن، ۱۳۶۹: ۲۰)

### و- کلیت:

در نظر گلدمن قانون کلیت بر اساس رابطه دیالکتیک پدیدار شده است و یگانگی نسبی فاعل و موضوع اندیشه را در بر دارد. «کلیت عبارت است از واقعیت عام و جهان‌گستر که دنیای مادی و دنیای روحی را در بر می‌گیرد. رابطه میان این دو عامل ساده نخواهد بود؛ این رابطه یگانگی مطلق

و عامّ نیست بلکه تابع اصل نسبیت و تعادل است. کلیت هر روز همراه با تاریخ ساخته می‌شود و عبارت از فرآیند تاریخی پیوسته است». (گلدمن، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۶)

### ز- آگاهی ممکن:

آگاهی ممکن، بسامد اندیشه‌های یک طبقهء اجتماعی را نشان می‌دهد. مرز بین آگاهی ممکن و جهان‌بینی بسیار باریک است؛ مجموعهء آگاهی ممکن، یک جهان‌بینی را ایجاد می‌کند. «هر گروه اجتماعی، آگاهی و ساختارهای ذهنی خود را در پیوند نزدیک با عمل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش در درون مجموع جامعه می‌پرورد. اما آگاهی جمعی بی‌تردید بیرون از آگاهی فردی وجود ندارد. هر فردی عضو چندین گروه است به نحوی که آگاهی او آمیزه‌ای یکتا و خاص از عناصر آگاهی‌های جمعی گوناگون و اغلب متضاد است.» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۸۶-۸۵)

### بیان مسأله

طبق نظریهء گلدمن می‌توان متون ادبی را با توجه به کارکرد و جایگاه آن در مناسبات اجتماعی بررسی کرد. یکی از کلان‌ترین مؤلفه‌های ساختگرایی گلدمن «طبقهء اجتماعی» است. به عقیدهء او آفرینندهء اثر ادبی یک فرد نیست بلکه طبقه‌ای از اجتماع است که آفریننده، جزئی از آن طبقه محسوب می‌شود. هدف از نقد ساختگرایی تکوینی، بررسی اجزای خرد و کلان اثر و درک کلیت آن برای رسیدن به جهان‌بینی طبقهء خاص اثر است. در واقع این نوع نقد می‌خواهد با کشف ساختار معنادار، آن روی اثر را آشکار سازد. در این پژوهش ساختار معنادار حکایات مخزن‌الاسرار نظامی بررسی شده است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا در ورای حکایات تعلیمی - عرفانی مخزن‌الاسرار می‌توان ردپای تاریخ را دنبال کرد و به تأثیر ناخودآگاه آن بر جهان‌بینی شاعر دست یافت؟ این مسأله به چه میزان شاعر را تحت تأثیر قرار داده است؟

### روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. بدین صورت که پس از دسترسی به محتوای جامع هر حکایت، عصارهء تفکر حاکم بر آنها در بستر تاریخی، تحلیل و بررسی شده است. جامعهء آماری این پژوهش مخزن‌الاسرار نظامی گنجه‌ای است.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

مخزن الاسرار نخستین منظومه از پنج گنج نظامی گنج‌های است که از منابع مهم در حوزه آموزه‌های اخلاقی به شمار می‌رود. حکایات‌های مخزن الاسرار نمودی از تعلیمات مطرح یک طبقه اجتماعی در قرن ششم است که نظامی به صورت داستان‌هایی تمثیلی بیان کرده است. هنجارهای هر داستان اشاره به سبک زندگی طبقه آفریننده اثر دارد که نمی‌توان از تأثیر مسائل اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی حاکم بر این طرز تفکر و در نهایت سبک زندگی چشم پوشید؛ بازیافتن مسیر این واقعیت با کمک نقد ساختارهای تکوینی میسر است. علاوه بر این تاکنون اغلب این شیوه از نقد برای بررسی رمان‌ها و داستان‌ها استفاده می‌شد که پژوهش حاضر نشان می‌دهد به دلیل قالب داستانی حکایات و وجود شخصیت‌ها در آن می‌توان از این نوع نقد به خوبی بهره جست.

### پیشینه تحقیق

در بررسی حکایات مخزن الاسرار نظامی به روش لوسین گلدمن، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. از تحقیقات نزدیک به این پژوهش می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم «سمیه مرادی‌نژاد» با راهنمایی «ظاهره صادقی تحصیلی» در سال ۱۳۹۰ با عنوان «بررسی مخزن الاسرار نظامی بر اساس سبک‌شناسی تکوینی» اشاره کرد که عوامل سبک‌ساز را بررسی، سپس براساس مسائل روانشناسی، جغرافیایی، سیاسی و تاریخی تبیین کرده است. با وجود پرداخت جامع به مسائل سبک‌ساز و ارتباط آن به حوزه‌های مذکور، به دلیل تفاوت در شیوه پژوهش، از توجیه دیدگاه حاکم بر کلیت اثر، طبق این دلالت‌ها باز مانده است.

پایان‌نامه‌ای دیگر با موضوع «نگرش و جهان‌بینی نظامی گنج‌های در مخزن الاسرار و اسکندرنامه» که توسط خانم «مینا مرادی» و با راهنمایی «علی ابوالحسنی» در سال ۱۳۹۱ نوشته شده است، دیدگاه نظامی در چهار حوزه توحیدی، عرفانی، اخلاقی و سیاسی - اجتماعی بررسی می‌کند. اما در مورد آخر غالباً به شناخت شیوه‌های حکومتی و تدابیر سیاسی و اجتماعی در اسکندرنامه می‌پردازد و در مخزن الاسرار بیشتر بُعد توحیدی و عرفانی اثر را مورد توجه قرار می‌دهد.

در مقاله‌ای نیز با موضوع «بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی در مخزن‌الاسرار با رویکرد اجتماعی» از «مریم شریف نسب» و «رعنا جهان‌نیده» در سال ۱۳۹۸، خلق و خوی مردم در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است و در آن رابطه مردم با جهان مادی (ارتباط مردم با حکومت و مردم با یکدیگر) و جهان معنوی تبیین شده است که می‌توان گفت نیمه راه پژوهش حاضر را طی کرده و در مرحله دریافت باقی مانده؛ چراکه بعد از دریافت مفهوم اثر، آن را در بستر تاریخی اثر قرار نداده است تا دلالت‌های موجود آشکار گردد.

بحث و بررسی

## ۲- نقد تکوینی حکایات مخزن‌الاسرار

مخزن‌الاسرار اولین و کوتاه‌ترین منظومه نظامی است؛ اولین مثنوی از پنج گنج، که دربرگیرنده ۲۲۶۰ بیت است. اندرزنامه‌ای مشتمل بر بیست مقاله که دارای سه بخش مجزا است: «در بخش نخست شاعر به ستایش خدا و نعت پیامبر اکرم و مدح بهرام‌شاه می‌پردازد. در بخش دوم، نظامی از خلوت‌های خویش و ادب‌آموزی دل سخن می‌گوید و ثمره این خلوت‌ها را که شهودی عرفانی است، بیان می‌کند. بخش سوم مخزن‌الاسرار دارای حکایات کوتاه تمثیلی است که شاعر در خلال این حکایات به اندرز و موعظه می‌پردازد.» (طغیانی و نجفی، ۱۳۹۳: ۳۰۸) هرچند که پایان نظم آن برابر است با آغاز فرمانروایی طغرل بن ارسلان، طغرل سوم آخرین سلطان سلجوقی عراق که گویا نظامی ترجیح داده دسترنجش را به نام حاکمی مقبول زند.

در ساختارگرایی تکوینی گلدمن، بین اثر ادبی و طبقه اجتماعی رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار است. جهان‌نگری این طبقات اجتماعی نیز تحت تأثیر مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. بنابراین درک کلیت اثر برابر با تحلیل رویدادهای هم‌ارز آن میسر می‌شود. «قرن ششم که حیات نظامی در آن سپری شد، عصر انهدام حکومت مرکزی و تجزیه کشور بین روسای طایفه‌ها، غلامان سلجوقیان و خاندان‌های بزرگ ایرانیست.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۱۵) عصری که ظلم و غارت، ریا و بدعهدی، ستم و بی‌عدالتی به اوج خود می‌رسد. از آنجایی که بیان یک اندیشه در قالب حکایت

نزدیک‌ترین نوع بیان به واقعیت ممکن است بنابراین تبعات اجتماعی-اقتصادی وقایع تاریخی عصر نظامی، با فرآیند دریافتی-تشریحی حکایات مخزن الاسرار دریافت خواهد شد.

در نظر گلدمن شناخت پدیده‌ها فرآیندی دوگانه یعنی در عین حال، دریافتی-تشریحی است. «حرکت پیوسته دریافت یک پدیده به سوی تشریح آن، نه فقط لازم است، بلکه شرط ناگزیر دیالکتیک مارکسیستی است.» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۲۹) مرحله درک برابر با فهم اثر در ساختار است و قرار دادن این ساختار در ساختار فراگیر، روند تشریح نام دارد. دریافت، مرحله نخست تحلیل را تشکیل می‌دهد و وضعیت درونی ساختار موضوع را روشن می‌کند. بنابراین دریافت، درونی و نوعی تفسیر است. در مقابل، تشریح بیرون از تفسیر قرار دارد و بیرونی است. «تشریح به زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در برگیرنده ساختار بر می‌گردد و جایگاه استناد همیشگی اسلوب دریافتی است. اما این دو فرآیند دو روش به هم پیوسته نیستند. آن‌ها در واقع فرآیندی واحدند که به دو مرحله متفاوت کلیت تحویل پذیرند.» (همان: ۳۰) این پیوند جدایی ناپذیر کارکرد دو ساختار، جلوه اصلی خصلت تاریخی رفتار انسانی است.

#### الف- دریافت حکایات مخزن الاسرار

در این مرحله تمامی حکایات مخزن الاسرار به شیوه‌ای جامعه شناختی بررسی و شرح داده می‌شود تا به درون‌فهمی اثر منجر شود. با وجود این‌که بحث پژوهش پیش رو «نقد تکوینی حکایات مخزن الاسرار» است اما به دلیل جدایی ناپذیریشان با مقالات‌ها، در ابتدای هر حکایت، به فراخور پژوهش، اشاراتی به مقالات مربوط به آن نیز شده است.

نظامی پس از مقاله اول که به یادآوری جایگاه آدمی و پاسداری از آن پرداخته، از دادگری می‌گوید که پادشاه ظالمی را به خواب می‌بیند. در ادامه، ایاتی حدوداً برابر با ایات مرتبط با محتوای حکایت می‌آورد و مخاطب را به پرهیز از ستمگری و دقت نظر در اعمالش توصیه می‌کند؛ او عقیده دارد که ندامت آغاز بیداری هر فرد، در هر جایگاه و در هر زمانی است. وی ضمن اشاره به بی‌ارزش بودن دنیا و فناپذیری انسان، مخاطب را از حرص ورزیدن نسبت به نصیب و بهره‌اش در زندگی برحذر می‌دارد و به عرضه داشته‌هایش تشویق می‌کند؛ با توجه به ارتباط



ابیات در محور عمودی حکایت، ظاهراً نظامی پادشاهان عصر خود را مورد خطاب قرار داده است؛ سپس بلافاصله با اشاره به گوشه‌نشینی مستأصلانه خود کلام را خاتمه می‌دهد:

یا چو غریبان پی ره توشه‌گیر      یا چو نظامی ز جهان گوشه‌گیر  
(نظامی، ۱۳۱۳: ۷۷)

نظامی در مقالت بعد، پس از توصیه به پادشاه برای حفاظت از عدل، خاطر نشان می‌کند که می‌توان از راه دنیا به دین رسید:

دین چو به دنیا بتوانی خرید      کن مکن دیو نباید شنید  
(همان: ۷۸)

و اینچنین سیر تحوّل نوشیروان را در حکایت دوّم نشان می‌دهد: پادشاه به همراه وزیرش برای شکار از کوبه جدا می‌شود. در ناحیه‌ای صیدیاب به دهی ویران می‌رسند که در آن دو پرنده باهم مصاحبت می‌کردند:

شاه در آن ناحیت صید یاب      دید دهی چون دل دشمن خراب  
تنگ دو مرغ آمده در یکدگر      وز دل شه قافیه شان تنگتر  
(همان: ۸۰)

در مسیر نمادین داستان، پادشاه با راهنمایی وزیر خردمندش به خود می‌آید. از ظلم فراگیر خویش دست می‌شویید و مردم آن ده را از مالیات معاف می‌نماید. از آن پس با عدل و داد رفتار می‌کند و ثابت قدمی وی در این راه سبب گردید که عدل نوشیروانی زبانزد خاص و عام شود.

هر آنچه نظامی می‌گوید رنگی از واقعیت دارد، واقعیتی که در رگ‌های دورانش جاری است و برای نمایاندن آن به زمانی متوسّل می‌شود که تعصّب نسبت به آن به حداقل رسیده است و حتی اگر در خاطر مردم شیرین جلوه کند، دیگر رمقی برای زنده نگه داشتنش ندارند. او هرآنچه را می‌بیند، می‌نمایاند و هر آنچه را نمی‌بیند، طلب می‌کند؛ نظامی پادشاه عصر خود را نیز به تأمل در این حکایت و رعیت نوازی دعوت می‌کند. سپس صراحتاً از مخاطب خود می‌خواهد که از گناه یا همان ظلم بر مردم فرودست، روی برتابد و عذر نیاورد، چرا که با عمل کار میسر می‌شود:

عذر میاور، نه حیل خواستند      این سخن است از تو عمل خواستند  
(همان: ۸۳)

«مقاله سوم که در حوادث عالم است از همان ابتدا در خطاب به ارباب قدرت آغاز می‌شود. سخن اصلی در آن توصیه به کاستن از دنیاپرستی و تفاخر نکردن است و توجه به مرگ و قیامت؛ یا به تعبیر او نرنجاندن و راحت رنجور شدن و ساعتی از محتشمی دور شدن. چون محتشمی بنده درویشی است و مایه غرور و فقدان.» (شیری، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

حکایت سوم در شرح سلیمان و پیر برزگری است که در زمین نامرغوب مشغول کشاورزی است. سلیمان با دیدن حال رنجور پیرمرد و فقدان ابزارش متأثر می‌شود و او را از این کار نهی می‌کند. همین هنگام اندرزه‌های آغشته به اعتراض و ملامت نظامی، در زبان پیر برزیگر جان می‌گیرد؛ خداوند روزی را می‌دهد و به جای تشویش حاصل از چند و چون آن بهتر است معقول بود و با شراکت شیطان دانه نکاشت چراکه از تخم بدی، چیزی جز بدی نمی‌روید. او عقیده دارد که لباس هر کس سزاوار عقل و جودی اوست. به وضوح می‌بیند که لباس سروری بر پادشاهان کم خرد و نالایق عصرش چنان نامتناسب است که گویی «رخت مسیحا را بر خری کشیده‌اند». حضور فردی شایسته در رأس حکومت را درخواست می‌کند؛ طلبی که از فقدان نشأت گرفته است:

دولتی باید صاحب درنگ      کز قدری بار نیاید به تنگ

(همان: ۸۸)

در قسمت تشریح حکایات معلوم می‌گردد که تمام نصایح نظامی در انتهای این حکایت، وجود حالتی متناقض در اجتماع عصرش را به تصویر می‌کشد. وجود افرادی که با انبازی شیطان تخم بدی را در دل مردمان می‌کارند. حضور دولتیان نالایق و بی‌خرد که بر مقامات احسن چنبره زده‌اند و جز فراخی حدود قلمروشان بار مسئولیتی به دوش نمی‌کشند.

حکیم گنجه مقاله چهارم را با لحنی تند آغاز می‌نماید؛ گویی مخاطب در مقابلش قرار گرفته و او بدون مقدمه‌چینی خشم و اعتراض خود را بیرون می‌ریزد. وی این بار هم مادیات را دستاویزی برای رسیدن به معنویات می‌داند:

رابعه با رابع آن هفت مرد      گیسوی خود را بنگر تا چه کرد

(همان: ۸۸)

نظامی به تبع اندیشهٔ مردسالاری چیره بر تاریخ، با آوردن مثالی از فداکاری این بانوی عارف، مخاطبش را از زنی حقیرتر می‌داند:

چند کنی دعوی مرد افکنی      کم زن و کم زن که کم از یک زنی  
(همان: ۸۸)

نظامی غالباً تکرار واژه یا ترکیبات را در یک بیت می‌گنجاند اما «مست بودن شحنه» در دو جای مختلف همین حکایت به کار می‌رود تا مخاطب سنگینی این هیئت ذاتاً متناقض را بر فضای عصر شاعر به روشنی دریابد:

شحنه مست آمده در کوی من      زد لگدی چند فرا روی من  
...شحنه بود مست که آن خون کند      عربده با پیرزنی چون کند  
(همان: ۹۱)

پیرزن نمادی از ضعیف‌ترین قشر جامعه است که زیر بار ظلم عمال حکومتی و بی‌تدبیری حاکمان قد خم کرده است. او آخرین راه گریز و تاب‌آوری مقابل ظلم مستمر را پناه بردن به امور معنوی و توسل به مرجع آفرینش می‌بیند:

گر ندهی داد من ای شهریار      با تو رود روز شمار این شمار  
(همان: ۹۱)

با این حال آنقدر این وضعیت ناعادلانه بر جای‌جای حیاتش تأثیر گذاشته که نمی‌تواند نارضایتی‌اش را فریاد نزند:

مسکن شهری، ز تو ویرانه شد      خرمن دهقان ز تو بی دانه شد  
(همان: ۹۲)

در پایان، او را به برقراری عدالت و پرهیز از ظلم دعوت می‌کند اما سنجر به دادخواهی وی گوش فرا نمی‌دهد. «نظامی گنج‌ای مخاطب سخن پیرزن را نخست سلطان سنجر و سپس تلویحاً حاکمان عصر خود می‌داند و می‌گوید فرمانروایی که گوش خود را بر عدالت ببندد زیان بر حکومتش می‌زند.» (خاتمی و هادیان، ۱۳۹۸: ۶۴) همان‌گونه که آتش این ظلم عاقبت دامن سنجر را گرفت.

مقاله هفتم در فضیلت آدمی بر حیوانات است. نظامی انسان را به عنوان اشرف مخلوقات شایسته رفتارهای متناسب با گوهر وجودی وی می‌داند و در گذر از حالت عرفانی خود حکایت را آغاز می‌نماید: روزی فریدون در شکارگاهش در صدد صید آهوئی بود. با چیره‌دستی تیرش را پرتاب کرد و برای رسیدن به صید، اسب تیزپایش را تاخت. اما نه تیر از آهو عبور کرد و نه اسب به آن رسید. وقتی دلیلش را می‌پرسد، اسب و تیر می‌گویند که آهو در پناه تو آزاد و رهاست بنابراین شکار او دور از انصاف است. «خدمت» یکی از صفات مردمی است که ارج و بزرگی منزلت را به همراه دارد؛ شرف آدمی در گرو آن است و چه خوب که وفاداری قرینش شود. گویا نظامی به تعریض می‌گوید که یک حیوان نیز سزاوار این است که در پناه عدل و حمایت شاه سرزمینش در آسایش باشد، چه برسد به آدمی که اشرف مخلوقات است و سزاوارترین.

مقاله هشتم در بیان آفرینش انسان است. انسانی که به سبب فتنه حرصش، خود نیز گرفتار خواهد آمد. نظامی وی را به ترک حرص می‌خواند و به تدبیر و عاقبت‌اندیشی دعوت می‌کند. کلامش را با این بیت به پایان می‌رساند که به هر روی خوبی و بدی مطلق نیست و بر یکدیگر اثر می‌گذارند:

هر بد و نیکی که در این محضرند      رنگ پذیرنده یکدیگرند

(همان: ۱۱۵)

در ادامه، داستان کیسه‌بری را می‌گوید که در صدد دزدی از یک میوه فروشی بود، اما به سبب پاسداری روباه از آن مکان، میسر نمی‌شد. کیسه‌بر که در تلاش برای دزدیدن و متواری شدن بود به خواب رفت و چرت زدن را حلیت خود ساخت. روباه نیز از وی تقلید کرد و چرتی زد. کیسه‌بر از فرصت استفاده کرد و با غنایم پا به فرار گذاشت؛ براستی که ثمره غفلت چیزی جز به تاراج رفتن دارایی نیست. گویی نظامی این ناامنی را در جوارش حس می‌کند و نازک‌اندیشانه، گوشه‌نشینی خود را چون حفاظی بر این رنگ پذیرفتن و غفلت توجیه می‌نماید.

نظامی بخش اعظم مقاله چهاردهم را به نکوهش غفلت و کژی حاصل از آن می‌پردازد. پیروی از عقل وجودی و داشتن راستی و صداقت را در هر شرایطی توصیه می‌کند. گویی در آوردن حکایت پس از آن دلیلی جز محصور کردن مخاطب ندارد (و البته تأکیدی بر اعتقاد به اصل

صداقت در زندگی). او این ارزش اخلاقی را در مکالمه‌ای جاری بین طبقه فرادست (پادشاه ظالم) و فرودست (مرد راستگوی) جامعه به کرسی می‌نشانند. این بار هم جسارت طبقه فرودست است که پادشاه را متنبه می‌کند و ورق را بر می‌گرداند. نظامی در آستانه ایجاد آرمان شهری قرار گرفته که سالیان بعد به ناچار آن را در لابه‌لای بیت‌های اسکندر نامه می‌گنجانند، نه در جهان واقعی عصر خویش.

در مقاله پانزدهم که در نکوهش رشکبران است؛ روی سخن با پیرانی است که نمی‌توانند پیشرفت شاعر جوان (نظامی) را ببینند. - ظاهراً شاعرانی چون رشید و طواط و دیگران - شاعر با وجود جوانی‌اش در مقابل حرص و حسد ناپخته آنان، مانند پیران با فروتنی برخورد می‌کند و این بر خلاف عقیده ایست که بر فضای داستان احاطه دارد؛ ظاهراً وی از چنان نفوذی برخوردار نیست تا بتواند عقایدش را در مورد برخی افراد به حوزه عمل برساند پس به ناچار با تیزهوشی در مسیر مدارا قدم برمی‌دارد.

مقاله هفدهم که در پرستش و تجرید است به نکوهش حرص و طمع می‌پردازد و می‌گوید: اگر وابسته جیفه دنیا نیستی پس مانند زاغ باش و پنجه در خون ضعیفان نزن و مردم آزار نباش.  
**مردۀ مردار نه‌ای چون زغن      زاغ شو و پای به خون در مزن**  
 (همان: ۱۵۷)

پس از آن در حکایت پیر و مرید نشان می‌دهد که هیچ‌چیز پایدار نیست و می‌بایست در برابر دگرگونی‌های روزگار، در غم و شادی از راه رسیده تسلیم بود. ظاهراً نظامی شرایط دشوار کنونی را محکی بر گوهر وجودی مردم جامعه می‌داند و عقیده دارد که زهد محفوظ مانده در میخانه قریب و شگرف است، نه در محراب و صومعه.

در حکایت هجدهم، داستان جمشید با خاصگی محرم را می‌آورد که همچنان بر پایه ارتباط دو قطب فرودست و فرادست جامعه شکل گرفته است. ثبات نسبی شخصیت‌ها در حکایاتی که هر کدام نکته اخلاقی خاصی را دربردارد، خود نشان از دقت نظامی در کاروبار دولتیان دارد و آن چنان که پیداست در هیچ‌یک از حکایات، رنگ رضایت از این طبقه در دل وی نیست؛ گویی این بار نظامی در شمایل غلامی حاضر شده که از سر احتیاط به حاکم وقتش وفادار است. او سکوت

در دل‌آلودش را در گرو حیات گذاشته و می‌داند که به تصویر کشیدن آنچه بر وی معلوم است تاوان سنگین دارد. او در ابیات انتهایی حکایت، تمام تلاشش را می‌کند تا به مخاطب بفهماند که فضای حاکم بر عصرش صراحت کلام وی را منتفی کرده و اگر مخاطب در پی کشف حقیقت است به ناچار باید از پس کلمات برآمده از زبان به سخن دل برسد:

کی دهن این مرتبه حاصل کند      قصه دل هم دهن دل کند  
این خورش از کاسه دل خوش بود      چون به دهان آوری آتش بود  
(همان: ۱۶۷)

آخرین مقاله در وقاحت ابنای عصر است که با حسد و عیبجویی و عهدشکنی کار خود را پیش می‌برند: نظامی برخورداری از حزم و دوراندیشی را برای مقابله با آنها لازم می‌داند:

گرگ ز روباه به دندان‌تر است      روبه از آن رست که به‌دان‌تر است  
(همان: ۱۷۴)

وی از احوال جهان سخت اندوهگین است، اما هنوز هم در دعوت به خموشی در برابر چنین نابسامانی اصرار می‌ورزد و شرط عزت افراد را همین عنصر می‌داند. این سکوت نه به معنای موافقت و همسو شدن با عملکرد ناجوانمردانه عمال حکومتی است بلکه به معنای عدم تفاخر و هم‌صحبتی با امیران نالایق عصر است. در داستان بلبل و باز به شیوه‌ای تمثیلی امتیازات خاموشی را از نظر گذرانده و نشان می‌دهد که رعایت نکردن همین اصل سبب تنزیل مقام بلبل پر آواز نسبت به باز کم سخن گشته است. می‌توان این دو پرنده را نمادی از دو روح غالب در جامعه دانست که شرط عزت بر مناعت طبع آنان قرار گرفته، نه همراهی بی‌تفکر با امواج حوادث حاکم بر جامعه.

#### ب- تشریح حکایات مخزن الاسرار:

لوسین گلدمن معتقد است بررسی زندگی‌نامه و روان‌شناسی صاحب اثر، تحلیل درونی اثر و قرار دادن آن در ساختارهای تاریخی و جامعه‌شناختی لازمه این نوع نقد است. «با این‌همه او در وهله نهایی معتقد است که آثار باید به ساختارهای بنیادین واقعیت تاریخی و اجتماعی مرتبط شوند». (گلدمن، ۱۳۸۱: ۶۱)

مخزن‌الاسرار در سال ۵۷۲ ه.ق توسط نظامی در شهر اِزَن گنجه، نوشته شده است. در این دوره که مقارن با متلاشی شدن حکومت مرکزی سلجوقیان است، گنجه و اِزَن توسط اتابکان سلجوقی اداره می‌شد؛ «سلجوقیان عراق که از دوران ملک‌شاه این نواحی را نیز به قلمرو خویش افزوده بودند، در سالهای ضعف و انحطاط خود دفاع از این سرزمین را، با عواید و املاک و خراج این نواحی به اتابکان خویش - اتابکان آذربایجان - واگذار کرده بودند. آن‌ها نیز با گرفتاری‌هایی که در عراق و آذربایجان داشتند گنجه را به حکام محلی سپرده بودند و وجود منازعات داخلی و برخوردهای نژادی و طبقاتی این حکام را هم از به وجود آمدن قدرتی بی‌تزلزل در مقابل مهاجمان مانع می‌آمد و بارها لازم شد غازیان شهر و طالبان جهاد که از نواحی اطراف به کمک آنها می‌آمدند، به جای حکام محلی در مقابل مهاجمان از شهر دفاع نمایند». (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۷) هزاران نفر در این جنگ و کشتارهای متوالی جان خود را از دست دادند و رنج و مصیبت مردم مضاعف گشت.

تقریباً نیمی از حکایات مخزن‌الاسرار (۱-۲-۳-۴-۷-۱۴-۱۵-۱۸-۱۹) در ارتباط با طبقه حاکم بیان شده است. «بیشترین قشر اجتماعی که مورد توجه نظامی است، قشر اجتماعی حاکم (پادشاه) است. در این حکایت‌ها توصیه‌های نظامی هم خطاب به قشر حاکم در مورد چگونگی رفتار با مردم است و هم به ارتباط مردم با حکومت و لزوم انتقاد از عمال حکومت در جهت سامان گرفتن امور می‌پردازد.» (شریف نسب و جهان‌دیده، ۱۳۹۸: ۲۵) در عالم واقع طبقه‌ای که مقابل طبقه نظامی قرار دارد و به طور مستقیم و غیرمستقیم آنان را بشارت و انذار داده است پادشاهان سلجوقی‌اند. نظامی حکمرانان ظالم عصرش را عامل اصل سلب آسایش مردم می‌داند؛ «از ستمگری و ظلم و ستم آنان از زبان سخن‌های گوناگون مردم (حکایت: ۲، ۳، ۴) و گاه از زبان مرغان و پرندگان (حکایت ۲) رو در روی ستمگران حرف می‌زند، حادثه‌هایی را که در حکایت‌های خود تصویر می‌کند آینه عبرت می‌داند و این آینه را رویاروی حکام زمانه و حکمرانان آینده می‌گذارد.» (مبارز و همکاران، ۱۳۶۰: ۳۵)

عصر نظامی، عصر سقوط ارزشهای انسانی و اخلاقی بود؛ ظلم پادشاهان و جنگ‌های داخلی سبب بی‌ثباتی نظم اجتماعی و پریشانی وضعیت مردم می‌شد به طوری که «باید آن را دوره قتل و

غارت و آزار و ناامنی دانست. در تمام این دوره ممتد کمتر وقتی بود که ایرانیان روی آرامش ببینند؛ قتل و غارت‌های پیاپی و تخطی به مال و جان مردم امری معتاد شده بود و این وضع آرامش باطنی ایرانیان و اعتمادی که میان آنان بود به تدریج از بین برد و به هر سرکش و خودخواهی اجازه داد که هرگاه بخواهد، دست به آزار مردم بگشاید.» (صفا، ۱۳۶۹: ۹۹) اداره ملوک الطوائفی ایران در زمان سلجوقیان و حرص و طمع هر حاکم برای وسعت بخشیدن به قلمرو خود سبب بی‌اعتنایی آنان به مردم‌داری و دقت در امور نظام می‌شد. افراد بی‌کفایت به راحتی در مقامات حساس حکومتی قرار می‌گرفتند و به دور از هیچ ملاحظه‌ای نسبت به مردم زیردست، برای رسیدن به منافعشان از دایره اصول خارج می‌شدند. «در تمام این مدت شهرها هرچندگاه یکبار از دست امیری سفاک بیرون می‌آمد و در کف امارتجوی خونخوار دیگری می‌افتاد. خلق خدا در این گیر و دار به عنوان غنایمی حلال و مباح مورد استفاده عده‌ی غارتگر سبک‌مغز و آدمی‌کش قرار می‌گرفتند.» (همان: ۱۲۰)

با نگاهی سطحی به نظر می‌رسد عصر سلجوقی مقارن با آزادی‌های دینی، به دور از هر گونه تعصبی بوده است اما با واکاوی آثار ادبی مربوط به آن زمان، تاریخی متفاوت از بطن آن بیرون می‌آید. حتی «تلاش حکومت سلجوقی در راه ایجاد مدارس و تربیت عده‌ای دبیر و مدیر صرفاً برای اداره ممالک وسیع سلجوقی و تنظیم امور مالی و اقتصادی کشور بود.» (راوندی، ۱۳۴۷: ۲۷۲) در غیر این صورت رفتار و عمل عاملان دینی با چنین تضادی در حکایت چهارم ذکر نمی‌شد. در این دوران «شدت سخت‌گیری بر مخالفان سیاسی و پیروان مذهب غیر رسمی، آن هم در زمان خواجه نظام‌الملک و از زبان او در سیاست‌نامه به عنوان یکی از وزرای بزرگ و کاردان سلجوقی، نشان دهنده سیاست کلی مملکت است و بر این حقیقت دلالت دارد که آنگونه تعصب‌ها و سختگیری‌ها در مراکز دور از پایتخت به مراتب از شدت بیشتری برخوردار بوده است.» (شیری، ۱۳۸۸: ۹۶) پس این آشوب و ناامنی با توانی بیشتر از آنچه وصف شد بر وجود مردمان گنجه و اران دست یازیده است. سلجوقیان که ترکان غیردینی بودند با نگاه سیاست‌مداران به تبلیغات مذهبی همسو با قدرت گرفتنتشان میدان دادند. «در حفظ منافع خویش، حمایت خلیفه بغداد و مذهب تسنن را در مقابله با دشمنان داخلی ایرانی خویش وجهه همت قرار دادند و با حربه دفاع از دین، مخالفان سیاسی



خود را از میدان به در کردند. بنابراین بخشی از مبارزه‌ها علیه بددینی و بدکیشی تنها در راستای سرکوب ایرانیان ضد حکومت سلجوقی بوده است.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۲۵) گویا به همین منظور بزرگان معتزله که موافق هرگونه بحث و استدلال بودند کنار گذاشته شدند و اشعریان برقرار ماندند. همانگونه که «راوندی» در «تاریخ اجتماعی ایران» می‌گوید: «علت اصلی حمایت سلاطینی چون محمود، مسعود، طغرل، آلبارسلان و دیگران از خلفای غاصب عباسی، این بود که این شهریاران ترک و اجنبی بودند و در میان مردم ایران حامی و پشتیبانی نداشتند. رفتار آنان با مردم مقرون به عدل و انصاف نبود و در گرفتن مالیات و بیگاری و جز این‌ها سختگیری می‌کردند. در چنین شرایط و احوالی آنان نقطه اتکایی جز بغداد نداشتند و ناگزیر بودند از دو سلاح یعنی از شمشیر و سلاح دین، یعنی نیروی معنوی خلیفه برای تثبیت قدرت و فرمانروایی جابرانه خود استفاده نمایند.» (راوندی، ۱۳۴۷: ۲۷۲) اما به دلیل همین پوشش متناقض، کار بالا می‌گیرد و افراد با ظاهرسازی و نشان دادن وجهه دینی موافق با حکومت، در مقامی چون شحنگی قرار می‌گیرند و به راحتی جنایت می‌کنند.

با تمام تعصبات موجود در عصر سرایش اثر، ردپای عرفان در تمام حکایات به چشم می‌خورد. گویی مردم این طبقه برای گریز از ناملايمات عصر که با خفقانی مدت دار همراه است، گوشه نشینی اختیار می‌کنند و با اندیشه‌های بلند عرفانی روح خود را نسبت به این ظلم ناروا وسعت می‌بخشند. به عقیده «ثروت» نیز «سوی تأثیر تعصب در برخی اهل ذوق، تصوف در این قرن راه کمال را می‌پیماید و از اقبال وسیعی روبروست. علت گسترش این نظریه را می‌توان مربوط به شرایط اجتماعی عصر نیز دانست. در این دوره آلودگی مادی فقیهان و محدثان که در کنار امور مذهبی به اداره مدارس دینی، تولید امور وقفی، اشغال مصدر قضاوت پرداخته‌اند، در مآل، دست در دست مدیران سیاسی گذاشته‌اند و در اجحاف به مردم شریک جرم پادشاهان و سیاستمداران هستند، امری کاملاً مشهود است. نتیجه این عمل، انزجار پنهانی مردم از این طبقه و گریزشان به سوی اهل عرفان بود.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۲۷)

شعر نظامی در شرایطی خلق شد که با وجود پیشرفت و توسعه دانش و فرهنگ و زمینه برای ظهور اندیشمندان بزرگ، اصول اداری و سیاسی کشور همچنان به سبک فئودالیسم خود پایرجا

بود. «سرنوشت هزاران انسان خلاق، پراستعداد و باشرف در دست خودکامگان ستمگر بود، مقدرات انسان‌های حساس و مغروری که به خاطر ترقی و سرزمین خود نمونه‌های والاترین فداکاری در تاریخ بودند، در دست کسانی بود که ذوق زندگی را فقط در ارضای شهوت‌های حیوانی خود می‌شناختند. فریاد رعایا و ستم‌دیدگانی که زیر ستم فئودالها و اربابان جلاصفت نابود می‌شدند.» (مبارز و همکاران، ۱۳۶۰: ۳۹) با کمی تأمل در حکایت ۱۵، جدال کهنه (نظام فئودالی) و نو (اصلاحات سیاسی - اجتماعی) را می‌توان کشمکشی که بر روح این داستان سیطره دارد، دریافت کرد.

پررنگ‌ترین قسمت این ساختار را که انسجام و یکپارچگی بی‌نظیری با جهان موازی اثر دارد می‌توان در حکایت پیرزن و سلطان سنجر یافت. «سنجر اگرچه پادشاه قاهری بود و شصت و یک سال به کامروایی حکومت خراسان (بیست سال) و سلطنت ممالک سلجوقی (چهل و یک سال) کرد لیکن با همه سطوت در اواخر عهد خود نتوانست از غلبه امرای ترک خود، بر جان و مال مردم پیشگیری کند و ظلم و عدوان بی‌نهایت آنان را از سر خلق دور دارد و مخصوصاً دو هجوم خطرناک کفار ختا و غزان غارتگر ویرانکار را دفع نماید.» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۳) سنجر نمودی از طبقه حاکم است که طبقه اجتماعی اثر با نارضایتی تمام بر وی می‌تازد و عاقبت ظلم انگیختن وی را با اشاره به سرانجام سنجر، اخطار می‌دهد؛ «آخرین واقعه ناگوار پادشاهی او شکستی است که از ترکان غز خورد و مدت دو سال در میان ترکان به اسارت زندگی کرد. سرانجام با تدبیر یکی از یاران خود از چنگ آنان گریخت ولی پس از رهایی از دست دشمنان، به علت بیماری که داشت عمرش چندان نپایید و در ۵۵۲ هجری درگذشت.» (راوندی، ۱۳۴۷: ۲۶۶)

اگر چه احوال مردم این عصر در بستر تاریخی یکسانی بررسی می‌شود اما با توجه به طبقه اجتماعی‌ای که در آن قرار دارند سطح آگاهی ممکن آنها متفاوت است که جهان‌نگری معینی (گاه با اندکی اشتراک) از آن منتج می‌شود و مبدعان آثار به عنوان نماینده‌های هر طبقه از این قاعده مستثنی نیستند. «در این عصر، جریان‌های ادبی ادبیات درباری، ادبیات تعلیمی - انتقادی، ادبیات صوفیانه، و ادبیات عاشقانه به موازات هم تداوم دارد که گاهی برخی از آنها نزد شاعری واحد نیز یافت می‌شود.» (پارسا نسب، ۱۳۸۷: ۴۳) این نشان می‌دهد که صاحب اثر می‌تواند همزمان عضو

---

چند طبقه اجتماعی باشد؛ برای حکیم گنجه نیز این وضعیت صدق می‌نماید. تحلیل حکایات نشان از این دارد که آگاهی ممکن دو طبقه اجتماعی که نظامی جزئی از آنهاست، بر وی تأثیری به نسبت قوی تر داشته است. جهان بینی عرفانی - انتقادی در نتیجه تجمیع آگاهی ممکن این دو گروه در حکایات ایجاد می‌شود. آثار به دست آمده از این نوع جهان بینی را می‌تواند در زمرة آثار تعلیمی - انتقادی قرار داد.

می‌توان گفت «بخشی از عدم تمرکز شاعر در گزینش هماهنگ موضوعات و توسل او به کنایات و استعارات سخت و ابهام آمیز، ریشه در اوضاع پرآشوب جامعه داشته است». (شیری، ۱۳۸۸: ۹۸)

## نتیجه‌گیری

اصل بنیادی در نقد تکوینی گلدمن این است که بین جهان اثر و طبقه اجتماعی صاحب اثر، پیوندی غیر قابل انکار برقرار است. خواست‌ها و آرمان‌های طبقه اجتماعی اثر که ریشه در وضعیت اجتماعی - اقتصادی جامعه دارد بر روح آن تأثیر می‌گذارد و نویسنده بدون این که قصد چنین کاری را داشته باشد کلیت اثر را با همین جهان بینی خلق می‌کند. در این مقاله با کالبدشکافی حکایات مخزن الاسرار، طی فرآیند دریافتی - تشریحی مشخص گردید که با وجود این که در وهله اول به نظر می‌رسد این حکایات تمثیلی، صرفاً بیانگر آموزه‌های اخلاقی مورد تأیید نظامی است اما کلیت مخزن الاسرار پیرنگی تاریخی دارد که بسیاری از حوادث زمان سلجوقیان، در آن نهفته است. مسائلی چون قتل و غارت، تعصبات مذهبی و تبلیغات جهت‌دار دینی، قرار گرفتن افراد نالایق در مقامات احسن، تعیین مالیات و خراج‌های سنگین برای رعایا، ویرانی سرزمین‌ها و از رونق افتادن کشاورزی همچنین در رأس آنها ظلم و ستم عمال حکومتی و از سویی روابط کدر مردم جامعه با یکدیگر و غلبه رشک و حسد و انتقام‌جویی بر آنان در عصر شکل‌گیری مخزن الاسرار را می‌توان به طور مستقیم از حکایات ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷ نیز غالباً روح عرفانی اثر خودنمایی می‌کند. با وجود این که کمتر از یک دوم حکایات مخزن الاسرار قابلیت بررسی بر اساس نقد تکوینی گلدمن را نداشتند، اما جهان‌بینی اثر که بر کلیت آن احاطه دارد به صورت عرفانی - اعتراضی قابل توجیه است؛ همانطور که در قسمت تشریح با استناد به منابع تاریخی توضیح داده شد، وضعیت اجتماعی - اقتصادی حاصل از بحران سیاسی در دوران سلجوقیان سبب نارضایتی طبقات فرودست جامعه و اعتراض آنان شد. از طرفی به دلیل خفقان سیاسی و ریاکاری عده‌ای، دایره روابط افراد با یکدیگر محدود گردید و برای رهایی از تمام این ناملایمات به گوشه‌نشینی و اتکا به آموزه‌های عرفانی پناه بردند و این نگرش عرفانی - اعتراضی در سرتاسر حکایات مخزن الاسرار جلوه دارد. مفاهیم در حکایات، پیوسته از قطب عرفانی به قطب اعتراضی جاری می‌شود. گویی هنوز جامعه، اندیشه‌های عرفانی رخوت‌آور را نپذیرفته و عرفان جاری، عرفانی اعتراضی و منتقد است، نه عرفان ممتنع.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابنامه

- ۱- پارسانسب، محمد، (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی ادبیات از آغاز تا سال ۱۳۵۷*، تهران: سمت، چاپ اول.
- ۲- ثروت، منصور، (۱۳۷۰)، *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، تهران: امیرکبیر.
- ۳- راوندی، مرتضی، (۱۳۷۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد هشتم، تهران: نگاه، بخش اول.
- ۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۴۷)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، *پیرگنجه در جستجوی نا کجاآباد*، تهران: سخن.
- ۶- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد دوم، تهران: فردوس، چاپ چهارم.
- ۷- گلدمن، لوسین، (۱۳۶۹)، *نقد ساختگرایی تکوینی*، ترجمه محمدتقی قیاسی، تهران: بزرگمهر، چاپ اول.
- ۸- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، *جامعه فرهنگ ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه، چاپ سوم.
- ۹- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- ۱۰- مبارز، ع، قلی‌زاده، م. آ، سلطائف، م، (۱۳۶۰)، *زندگی‌نامه و اندیشه نظامی*، ترجمه ح صدیق، تهران: توس.
- ۱۱- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، (۱۳۱۳)، *مخزن الاسرار*، تصحیح و تحشیه وحید دستگردی، تهران: ارمغان.

ب- مقالات

- ۱۲- خاتمی، احمد، مرتضی، هادیان، (۱۳۹۴)، «*داد در اندیشه سیاسی - اجتماعی حکیم نظامی گنجه‌ای*»، مجله مطالعات انتقادی ادبیات، سال دوم، صص: ۶۸-۵۴.

- ۱۳- رضی، داوود، عمرانی دهکهان، سجاده، دارای زاده، علی، (۱۳۹۲)، «رویکرد جامعه‌شناختی به نقد ادبی (با تأکید بر ساختگرایی تکوینی لوسین گلدمن)»، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان، صص: ۹۳۳-۹۴۱.
- ۱۴- شیری، قهرمان، (۱۳۸۸)، «ابهام‌گویی‌های سیاسی در منظومه‌های نظامی»، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۱۴، صص: ۱۳۴-۹۵.
- ۱۵- شریف‌نسب، مریم، جهان‌دیده، رعنا، (۱۳۹۸)، «بایدها و نبایدهای اخلاق فردی و اجتماعی با رویکرد تاریخ اجتماعی»، کهن‌نامه ادب پارسی، شماره اول، صص: ۱-۳۱.
- ۱۶- طغیانی، اسحاق، نجفی، زهره، (۱۳۹۳)، «کارکردهای زبانی در مخزن‌الاسرار نظامی»، نشریه ادب و زبان، شماره ۳۶، صص: ۳۰۸-۳۳۲.